

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفدهم، شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

جایگاه مریم مجدلیه در متن‌های گنوسی با تکیه بر متن پارتی مانوی M6281+M6246*

دکتر حمیدرضا اردستانی رستمی^۱

چکیده

چنان‌که بسیاری از پژوهندگان کیش مانی اشاره داشته‌اند، مانی از اندیشه‌های گنوسی متأثر بوده‌است و مطالعه متن‌ها و باورهای گنوسی مانوی، ویژگی‌هایی همانند را میان مانویان و گنوسیان آشکار می‌کند. در پژوهش پیش‌رو، یکی از همین همانندی‌ها، یعنی شباهت جایگاه مریم مجدلیه را در متن‌های گنوسی (انجیل‌های توماس، حقیقت، فیلیپ، مریم و...) و متن‌های مانوی، با تکیه بر متن پارتی M6281+M6246 بررسی می‌کنیم. در پایان در خواهیم یافت همان‌گونه که گنوسیان مریم را بزرگ می‌دارند و او را جانشین حقیقی و نخست‌دیدارکننده با عیسی در پس از رستاخیز می‌دانند، در متن مانوی نیز مریم نخستین کسی است که پس از برخاستن از گور با عیسی دیدار می‌کند و بر حواریون و از جمله پطرس که در مسیحیت رسمی جانشین عیسی است، راز جهان را آشکار می‌کند. در این متن مریم را آموزگار حواریون و جانشین عیسی می‌یابیم.

واژه‌های کلیدی: گنوس، مریم مجدلیه، عیسی، مانی، سرود تصلیب مانوی پارتی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۲

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۰۴

h_ardestani@ymail.com

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.

۱. مقدمه

کیش مانی از کیش‌هایی است که در ایران پیش از اسلام مجال بروز گسترده یافته‌است و اندیشه‌های موجود در آن، به گونه‌ای پوشیده، تأثیر خود را بر ایرانیان حفظ کرده‌است. آورنده این کیش، مار مانی (یونانی: Manichaios، چینی: Mo-mo-ni) است که در سال ۵۲۷ سلوکی، برابر با ۲۱۶ میلادی در هجدهمین روز ماه نisan بابل، چهاردهم آوریل یا هشتم ماه فارموتی (Pharmuti) در گاه‌شماری مصری و چهار سال گذشته از پادشاهی اردوان پنجم، آخرین شاه اشکانی، دیده در جهان گشود (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۱؛ سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۳۵؛ بیرونی، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۲). زادگاه مانی، جنوب خاوری تیسفون، شهری در ساحل خاوری دجله، استان اشکانی اسورستان (البابلیو) است (نیولی، ۱۳۷۳ الف: ۱۰۷) که در آنجا دین‌های گوناگون، به‌ویژه فرقه‌های گنوسی رواج داشت و مانی از آنان تأثیر پذیرفت که بسیاری از پژوهندگان کیش مانی به این نکته اشاره داشته‌اند (اسماعیل-پور، ۱۳۹۰: ۲۶۱؛ کیسپل، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۹؛ نیولی، ۱۳۹۵: ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۹؛ دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۳؛ آسموسین، ۱۳۷۳: ۱۷۱؛ کلیم‌کایت، ۱۳۸۴: ۴۷)؛ چنان‌که او خود در چهار سالگی به طریقه گنوسی مغتسله (صُبی که معادل یونانی آن baptistai است؛ فرقه‌ای یهودی- مسیحی و تعمیرگر که آن را الخسای در آغاز سده دوم میلادی بنیان نهاد و در سرزمین‌هایی چون آن سوی اردن، سوریه، فلسطین و میان‌رودان گسترش یافت) درمی‌آید؛ اگرچه بعدها از آنان فاصله می‌گیرد و طریق خویش را بنیان می‌گذارد (نیولی، ۱۳۷۳ الف: ۱۰۸-۱۰۹)؛ پس بایسته‌است پس از بازگفت مسئله پژوهش، پیشینه و ضرورت و اهمیت پژوهش، درباره گنوس و پیوند آن با مانویت سخن گفته شود.

۱-۱. شرح و بیان مسئله

مانی کیشی را بنیان نهاد که برای زمان طولانی، فرهنگ ایران و دیگر فرهنگ‌ها را متأثر ساخت؛ به گونه‌ای که این کیش تا دوره مغولان در ایران، به‌ویژه در خراسان هواخواه داشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۱) و در سده‌های سوم و چهارم میلادی تا امپراتوری روم، شمال و بخش جنوبی گُل (Gaul)، دالماسی (Dalmatia/یوگسلاوی)، اسپانیا، مصر، آفریقای شمالی، فلسطین، سوریه، آسیای صغیر و در قرن هشتم میلادی تا آسیای میانه، مغولستان و امپراتوری بزرگ اوغوری گسترش یافت (نیولی، ۱۳۷۳ ب: ۱۴۱-۱۴۲؛ تقی-زاده، ۱۳۸۸: ۹۴، ۱۲۱-۱۲۲).

این اندیشه به گونه‌ای راه خود را به قرن ده میلادی، در میان بوگومیل‌ها (Bogomils) در بلغارستان نیز گشود و کاتارهای جنوب فرانسه و شمال ایتالیا را در قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی متأثر ساخت؛ آن گونه که نام «مانویت نوین» یا «آیین مانوی سده‌های میانه» بر آن نهادند (سولیانو، ۱۳۷۳: ۶۱؛ نیولی، ۱۳۷۳ ب: ۱۴۴). البته این اندیشه در میان مسلمانان نیز راه جست. در سده نهم میلادی گروه‌هایی چند از گنوسی‌ان مسلمان از جنوب عراق برخاستند که پرآوازه‌ترین آنان اسماعیلیان هستند و اندیشه‌های گنوسی در آنان رواجی داشته و دارد (سولیانو، ۱۳۷۳: ۶۰؛ کیسپل، ۱۳۷۳: ۳۰). کیش مانی با همه این تأثیرگذاری‌ها، خود از مسیحیان گنوسی متأثر شد.

نگارنده در این پژوهش برآن است با تکیه بر متن پارته‌مانوی M6281+M6246، یعنی سرود تصلیب (d'rwbɔɔyɸ(t)[y](g) b's'h) که در آن سخنان مریم مجدلیه آمده- است (سخنانی که در آن، او راز جهان را در خطاب به پطرس حواری آشکار می‌کند) نشان دهد که مانی و مانویان همانند گنوسی‌ان و مطابق با انجیل گنوسی یوحنا و مرقس که مریم را نخستین دیدارکننده با عیسی در پس از رستخیزش می‌دانند - برخلاف مسیحیت رسمی که پطرس حواری را نخستین دیدارکننده با عیسی در پس از برخاستن از گور می‌دانند- مریم را بزرگ داشته‌اند و او را چون گنوسی‌ان بر دیگر حواریون مرد عیسی برتری داده و آموزگار آنان دانسته‌اند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش‌های بسیاری درباره مانی و مانویان به انجام رسیده است که در کتاب‌شناسی مانی، اثر فریده رازی (۱۳۷۲)، بخشی از این تحقیق‌ها به چهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ارائه شده‌است. در این اثر از توجه پژوهشگران به مریم مجدلیه در آثار مانی نشانی نیست. همچنین در پورتال جامع علوم انسانی، متعلق به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز مقاله‌ای در این باره یافت نشد. تنها مقاله‌هایی سطحی در برخی فضاها علمی مجارزی دیده شد که صرفاً در آن به نقش مریم در انجیل‌های چهارگانه پرداخته‌اند.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجاکه تحقیقی درباره نقش مریم مجدلیه در متن‌های مانوی - البته تا آنجاکه نگارنده جست‌وجو کرده- انجام نگرفته‌است، این پژوهش می‌تواند نقشی کوچک در این

باره داشته باشد و دست‌کم دیدگاه مانویان را نسبت به مریم مجدلیه در یک متن پارتی نشان دهد و به این نکته اشاره داشته باشد که مانویان همچون دیگر گنوسی‌ها، مریم مجدلیه را بزرگ می‌دارند و او را حتی برخلاف راست‌کیشان، برتر از پطرس می‌دانند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. گنوس

چنان‌که پیشتر گذشت، کیش مانی کیشی است گنوسی. گنوس واژه‌ای یونانی به معنی «معرفت» است. این واژه با واژه انگلیسی Know و سنسکریت Jñāna هم‌ریشه است (کیسپل، ۱۳۷۳: ۱۳؛ Baker-Berlin, 2011: 10). معادل این واژه در فارسی باستان -xšna، در اوستا -xšnā و در فارسی میانه dān و išnās است و از ریشه هندواروپایی -gnō به معنای دانستن و شناختن، گرفته شده است (Kent, 1953: 182). گنوس یا معرفت «بر آگاهی از رازهای ایزدی تأکید می‌ورزید» (کیسپل، ۱۳۷۳: ۱۳) و «به مردم درک کامل دانشی را توصیه می‌کرد که می‌توانست برای روح، یعنی نفس درونی و حقیقی رستگاری نهایی از فساد و شر این جهان را به ارمغان آورد و آن را به اماکن بهشتی هدایت کرد» (آسموسن، ۱۳۷۳: ۱۹۱) و بر آن است که «معرفت از راه تجربه مستقیم مکاشفه یا تشرّف به سنت رازآمیز و باطنی به دست آرد» (کیسپل، ۱۳۷۳: ۱۳؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۴)؛ به عبارت آسان‌تر، گنوس «فرایند شهودی شناخت خود» است (پیگلز، ۱۳۹۴: ۹). درباره خاستگاه اندیشه گنوسی گمان‌هایی زده شده است. آدولف فُن هارناک (Adolf von Harnack) کیش گنوسی را «یونانی‌سازی شدید مسیحیت» می‌انگارد (همان: ۲۴). آرتور داربی ناک (Arthur Darby Nock) آیین گنوسی را گونه‌ای «مسلک افلاتونی لجام‌گسیخته» می‌نامد (همان: ۲۴). برخی نیز سه سرچشمه احتمالی را برای این کیش برمی‌شمرند: سرچشمه مزدایی، بابلی و دین مصری (هالروید، ۱۳۹۵: ۵۸).

ریشارد رایتسینشتاین (Richard Reitzenstein) کیش گنوسی را برخاسته از ایران باستان می‌داند (پیگلز، ۱۳۹۴: ۲۴)؛ اما امروز دیگر بنیانی ایرانی برای کیش گنوسی نمی‌شمرند و معتقدند که این کیش، بُنی هلنی مسیحی دارد و از اندیشه اسکندریان و فلسطینیان نشأت گرفته است (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۰: ۲۵۵). شاید نیز بهتر باشد که این کیش کهن را کیشی جهانی بپنداریم که در سده‌های نخستین مسیحیت، رواجی چشم‌گیر یافته است و کسانی

چون شمعون موع (Simon the Magus) در شومرون (Samaria)، والتینوس (Valentinian) در مصر، روم و اسکندریه، بازیلیدس (Basilides) در اسکندریه، منداییان در جنوب عراق و خوزستان، ابن دیصان در آلرها (Alerha)، مرقیون (Marcion) در سینوپ و مانی در بابل، باعث گسترش گنوسیسم شده‌اند؛ بنابراین، با وجود آنکه آنان در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی قرار داشته‌اند، با داشتن ویژگی‌هایی مشترک چون: اعتقاد به دو بن خیر و شر، اعتقاد به دو خدای ناشناخته و جهان‌آفرین، فرایند رستگاری و احیای نهایی کمال (بهشت)، اعتقاد به نقص جهان و شریر بودن ماده، توجه به منجی رستگارکننده، مذمت آمیختگی با زنان و ... (همان: ۲۵۴-۲۶۵) با نام کلی کیش گنوسی گرد آمده‌اند (Baker-Berlin, 10: 2011)؛ بدین سان، گنوسیسم آمیزه‌ای از باورهای گوناگون فلسفی دینی یهودی، مصری، بابلی، یونانی، سوری و ایرانی است که در غرب، یونان، تعبیری عقلانی و فلسفی از آن داشته‌اند؛ اما برداشت مردمان مصر، سوریه و ایران، تعبیری عرفانی بوده است (اسماعیل-پور، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

شاید وجود همین گونه‌گونی آرا درباره منشأ گنوسیسم، باعث شده است که درباره کیش مانی هم که قطعاً کیشی گنوسی بوده و همه بر آن اتفاق نظر دارند، سرچشمه‌های گوناگون انگارند؛ چنان که برخی این کیش را دارنده روپوشی ایرانی و ثنویت زردشتی می‌پندارند (دریایی، ۱۳۸۷: ۶۳). برخی آن را برگرفته از کیش زروانی می‌دانند (بویس، ۱۳۸۶: ۱۴۳؛ بنونیست، ۱۳۸۶: ۷۵) و بعضی دیگر، کیش مانی را برآمخته‌ای از مذاهب گوناگون، چون زردشتی، بودایی و مسیحی می‌شمرند (کلیم کایت، ۱۳۸۴: ۲۶۹) که البته از آنچه در کفالایا، از سخن خود مانی برمی‌آید، این سخن به حقیقت نزدیک می‌نماید؛ زیرا مانی دین خود را گردآمده باورهای همه دین‌های پیشین می‌داند و دین گذشتگانی چون زردشت، مسیح، بودا را می‌ستاید که سبب رستگاری مردمان شده‌اند (کفالایا، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲)؛ اما برخی هم سهم اندیشه‌های مسیحی - گنوسی را در باورهای مانوی بیش از دیگر باورها می‌پندارند؛ چنان که فرانسیس بورکیت (Francis Burkitt) مانویت را در پیوند با مسیحیت می‌بیند (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۲، ۶۳، ۳۰۶) و هانس هنریک شدر (Hans Heinrich Schäder) باور دارد که عمده منبع نهضت دینی مانی را باید در مسیحیت بجویم (همان: ۱۵۳) که البته آن گونه که از متن‌های مانوی غربی و شرقی برمی‌آید، این سخن نیز پذیرفتنی است.

۶/ جایگاه مریم مجدلیه در متن‌های گنوسی

ابوریحان نیز بنا بر سخنان خود مانویان، چنین استنباط می‌کند که «آنچه مسیح به طور رمز گفته، او [مانی] بیان کرده‌است» (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۱۰) و مانی نیز خود را فرستاده عیسی می‌خواند (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۷؛ کفالایا، ۱۳۹۵: ۱۴، ۱۶؛ زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ Lieu, 1992: 30-31).

آن‌گونه که در پژوهش پیش‌رو نیز خواهیم دید، بدان‌گونه که مسیحیان گنوسی مریم مجدلیه را (برخلاف مسیحیان راست‌کیش که پطرس را بنیان‌دین می‌دانند) بزرگ می‌دارند، مانوی‌ها نیز بدان‌سان که از آثارشان برمی‌آید، او را بسیار گرامی می‌پندارند. البته پیش از پرداختن به این موضوع، باید اندکی درباره تفاوت اندیشه مسیحیت رسمی و طبقه گنوسی مدعی مؤمن به مسیح سخن گوئیم.

۲-۲. اندیشه‌های گنوسی و راست‌کیشان مسیحی

آنچه از تاریخ مسیحیت رسمی و گنوسی برمی‌آید، این نکته است که باورهای ویژه گنوسی‌ها، آنان را از مسیحیان جدا ساخت و در میان متعصبان مخالفان جدی یافتند. آیین گنوسی کم‌کم رنگ مسیحی را از خویشتن سترد و غیر مسیحی و ریاضت‌کش تلقی گردید و سنت‌هایش از عناصر هریمی سرشار گشت. گنوسی‌ها عضو یک فرقه مستقل و ریاضت‌کش شدند، بیشتر به حلقه‌های اجتماعی مندایی یا مانوی گراییدند و در کنار گروه‌های نوافلاتونی اسکندریه زیستند که برای کارهای معجزه‌آسا بس ارج می‌نهادند یا در بیابان‌های مصر به راهبان پیوستند و روح خویشاوندی خود را در میان آنان یافتند (پرکینز، ۱۳۷۳: ۸۲). از همین‌روی گروهی ضد گنوسی همانند هیپولوتوس (Hippolytus)، کلمنت اسکندرانی (Clement Alexandria)، اریگن (Origen)، تریلیان (Tertullian)، ایرنایوس (Irenaeus) و ایپفانوس (Epiphanius) با نوشتن رساله‌هایی به این بدعت‌گزاری‌ها پاسخ دادند.

برخی باورهای متفاوت میان مسیحیان و گنوسی‌ها از این قرار است:

۱- گنوسی‌ها معتقدند که عیسی تن مادی نداشته است و سراسر روحانی است (همان: ۷۹؛ تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۸). این گروه آن‌گونه که از برخی نوشته‌هایشان برمی‌آید، معتقدند که همه قدیسان تهی از زایش و مرگ هستند و «زندگان نخواهند مُرد» یا «هر که زنده است، مرگ نخواهد دید» (انجیل توماس، ۱۳۹۵: ۲۲۷، ۲۴۱)؛ از همین‌روی آنان عیسی را از هر گونه گوشت و خونی مطهر می‌دانند (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۳۶) و گوشت او را کلمه

و خون او را روح القدس می خوانند (انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۵۹). مانی گنوسی نیز به این نکته اشاره دارد که «او [عیسی] بدون جسم آمد» (کفالایا، ۱۳۹۵: ۱۲) و مرگی نداشته است و در یک سخن، روحانی محض است (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۴، ۱۶۸، ۲۵۴). از دید اینان عیسی ظاهراً دارای گوشت و خون است و اصلاً روند زایش را پشت سر نگذاشته است (دیویس، ۱۳۷۳: ۱۶۵). البته این سخن آنان در انجیل یوحنا پیشینه دارد. در این انجیل که گنوسی ها آن را به خود منسوب می کنند و آن را منبعی عمده از آموزه های گنوسی می دانند (پیگلز، ۱۳۹۴: ۱۶۵)، جمله هایی از عیسی می بینیم که پیکر غیر مادی او را نشان می دهد؛ چنان که تن خود را خانه خدا می پندارد (یوحنا، ۲: ۲۱) یا چنین می گوید: «پدر در وجود من است و من در وجود او هستم» (یوحنا، ۱۰: ۳۶). در همین بخش از انجیل، یحیی او را کسی معرفی می کند که «روح خدا به فراوانی در او است» (یوحنا، ۳: ۳۴). البته به این نکته باید اشاره داریم که در نامه یوحنا به بانویی، او به بانو و فرزندان او هشدار می دهد که مراقب «معلمان فریبکار» باشند؛ زیرا «ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح به صورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد» (یوحنا، نامه دوم: ۷) که آشکار است مقصود او از معلمان دروغین، گنوسی ها هستند که چنین باوری دارند. در یکی از نامه های پولس نیز می بینیم که می گوید: «فرزند خدا به شکل انسان در آمد»؛ چنان که در مزامیر هراکلیدس گنوسی این سخن آمده است (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۷۴). همین طور در انجیل توماس نیز از زبان عیسی بیان شده است که: «ایستادم در میانه جهان و در گوشت ظاهر شدم بر شما» (انجیل توماس، ۱۳۹۵: ۲۳۰). پولس در توجیه انسان بودن عیسی آورده است: «از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون، او [عیسی] نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان در آمد» (پولس، نامه ای به عبرانیان، ۲: ۱۴).

۲- با توجه به آنچه آمد، این پرسش پیش می آید که چرا گنوسی ها برخلاف مسیحیان بر روحانی بودن عیسی تأکید دارند؟ این باور آنها از آنجا برخاسته است که گنوسی ها بر آن هستند با اصرار بر مادی نبودن پیکر عیسی، رستاخیز او را هم در پس از به گور سپردنش، روحانی و نمادین بدانند نه تاریخی؛ چنان که مانویان تصلیب جسمانی مسیح را منکر بودند (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۴؛ شکری فومشی، ۱۳۸۲: ۴۹).

۸/ جایگاه مریم مجدلیه در متن‌های گنوسی

در انجیل لوقا آمده است که پس از آن که عیسی مسیح در روز سوم پس از مرگ از گور برمی‌خیزد و در برابر حواری‌های خویش آشکار می‌شود، شاگردان دچار ترس می‌شوند که آیا با «روح» روبه‌رو شده‌اند؟

عیسی فرمود: چرا وحشت کرده‌اید؟ چرا شک دارید... به جای میخ‌ها، در دست‌ها و پاهایم نگاه کنید. می‌بینید که واقعاً خودم هستم. به من دست بزنید تا خاطر جمع شوید که من روح نیستم؛ چون روح، بدن ندارد؛ اما همان‌طور که می‌بینید، من دارم. (لوقا، ۲۴: ۳۷-۳۹)

در این سخنان آشکارا پیکر مادی عیسی را می‌بینیم که مسیحیت رسمی بدان باور دارد؛ چنان‌که تروتولیان ضد گنوسی می‌گوید: «همان‌گونه که جسم عیسی از گور برخاست، هر مسیحی مؤمنی باید به رستاخیز جسمانی اعتقاد داشته باشد» (پیگلز، ۱۳۹۴: ۳۵).

خلاف سخنان پیش‌گفته، گنوسی‌ها به تفسیر باطنی اعتقاد داشتند و معنای تمثیلی برای کتاب مقدس در نظر می‌گرفتند (پرکینز، ۱۳۷۳: ۸۰-۸۱؛ پیگلز، ۱۳۹۴: ۴۶). آنان تفسیر ظاهری رستاخیز را «ایمان ابلهان» می‌نامیدند و «تأکید داشتند که رستاخیز رخدادی بی‌نظیر در گذشته نبوده است؛ بلکه به صورتی نمادین می‌خواسته بگوید حضور مسیح را هم‌اکنون نیز می‌توان تجربه کرد؛ به چشم سر دیدن مهم نبوده؛ بلکه مکاشفه روحانی مهم بوده است» (پیگلز، ۱۳۹۴: ۴۲)؛ چنان‌که مریم نیز در حالت مکاشفه و خواب، با عیسی دیدار می‌کند (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۷۲). معنای سیاسی سخن گنوسی‌ها آن است که ما به شما کشیشان به عنوان واسطه نیازی نداریم و خود مستقیماً می‌توانیم با عیسی پیوند یابیم (پیگلز، ۱۳۹۴: ۵۵). از سوی دیگر، در دیدگاه گنوسی‌ها عقیده به رستاخیز جسمانی، کاملاً غیرعقلانی است؛ زیرا جسم به آفرینش پست مادی تعلق دارد و البته هدف گنوسی‌ها، آزاد کردن روح از جسم خاکی است؛ بنابراین، اگر رستاخیز عیسی جسمانی می‌بود، این نمی‌توانست به معنی رستگاری او باشد (هالروید، ۱۳۹۵: ۷۷).

۳- گنوسی‌ها برخلاف مسیحیان که به خدایی یگانه باور دارند، به دو خداوند، خدای متعالی و خدای آفریننده، باور دارند و معتقدند که «دنیا به واسطه خطا به پیدایی آمد» (انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۶۵). گویا مرقیون گنوسی که خود دین عیسی داشت، میان رفتار عدالت‌محورانه خداوند در عهد عتیق که هر تخطی از قوانینش را پادافره می‌دهد و خدای بخشش و محبت که عیسی آن را تبلیغ می‌کند، تعارض می‌بیند و دچار شگفتی می‌شود. نیز او می‌پرسد که اگر خداوند به هر کار توانا است و خیر، پس این همه رنج و شر در هستی

چیست؟ او سرانجام به این نتیجه می‌رسد که جهان دو خدا دارد: یکی خدای کیفردهنده عهد عتیق یا همان یَهُوَه عبری؛ خدایی که دنیا و تن اهریمنی را آفریده‌است که مرقیون و البته مانویان، کتاب و پیامبر او را، تورات و موسی، رد می‌کند (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۳۱) و خدای متعالی که همان خدای عیسی است (کیسپل، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۲؛ بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴: ۱۵۲). مطابق انجیلی گنوسی، خدای متعالی، خدایی است «درک‌ناشدنی، آن ناپنداشتنی پدر آسمانی، آن یگانه کامل» که البته به هیچ‌روی نقص ماده از این پدر آسمانی برنخاسته است (انجیل حقیقت، ۱۳۹۵: ۲۴۵، ۲۵۳)؛ بلکه باید آفرینش را به اصلی نسبت داد که خود نیز پلید است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

این اندیشه با مخالفت آشکار مسیحیان متعصب قرار می‌گیرد. از دید آنان اعتقاد به خدایی یگانه، یعنی اعتباربخشیدن به اسقفی یگانه بود که همه باید از او پیروی کنند. اندیشه گنوسیان، این دیدگاه را زیر سؤال برد؛ از همین‌روی کلیمنت اسکندرانی در نامه‌ای، به این اندیشه سخت می‌تازد و خدای یگانه را همان یَهُوَه می‌داند که قانون می‌نویسد و اجرا می‌کند. از دید او خدای اسرائیل، اقتدار خود را به اسقفان و کشیشان و شماسان بخشیده- است. هر کس از آنان سرپیچد، از خدا گردن کشیده‌است (پیگلز، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۹).

گنوسی‌ها درست در زمانی که اشکال اولیه متنوع رهبری کلیسا، جای خود را به سلسله-مراتب یکپارچه مقامات می‌داد، اندیشه دو خدا را ارائه کردند و بر این دیدگاه رفتند که آن مقامات فرستاده همان خدای کیفردهنده بی‌رحم هستند و گنوسی‌ها، فرزندان خدای عیسی که خدایی ناشناخته و متعالی است. آنان به گونه‌ای جامعه بی‌طبقه مسیحی را در برابر مقامات کلیسا که قدرت طلب بودند، شکل دادند و حتی زنان را در برگزاری و اجرا آیین-های دینی شریک کردند (همان: ۷۲-۷۷).

۴- از دیگر تفاوت‌های گنوسی‌ها با مسیحیان، آن است که گنوسیان و از جمله آنان مانویان، به رنج ظاهری مسیح باور ندارند و معتقدند رنجی در به صلیب کشیدنش نبرده؛ زیرا او در اساس متولد نشده‌است (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۱، ۱۳۲). در یک رساله گنوسی آمده‌است:

عیسی از آنجا که پسر انسان بود و انسان بود، رنج کشید و مانند بقیه انسان‌ها مُرد؛ اما از آنجا که او پسر خدا هم بود، روح خدا که در درونش بود، نمی‌توانست بمیرد. به این معنا، او از رنج و

۱۰/ جایگاه مریم مجدلیه در متن های گنوسی

مرگ فراتر رفت. با این حال، مسیحیان راست کیش اصرار دارند که عیسی انسان بود و همه مسیحیان درست اندیش باید تصلیب را واقعه ای تاریخی و حقیقی قلمداد کنند. (همان: ۱۱۵)

۵- گنوسی ها بر خودشناسی بسیار تأکید داشتند و معتقد بودند که خودشناسی (مقصود شناخت روح است) به شناختن خدای متعالی منجر می شود:

نام هر کس بدو است. هر که باید بدین شیوه معرفت یابد، داند که او از کجا است و به کجا خواهد رفت. او می داند چونان مستی که از مستی بازمی گردد، به خویشتن خویش روی می کند و آن خویش به راست کاری سپرد. (انجیل حقیقت، ۱۳۹۵: ۲۴۷)

خویشتن شناسی است که انسان را به یگانگی می رساند و «در یگانگی است که هر کس پاس خویش خواهد داشتن. در معرفت است که خویشتن را از کثرت در وحدت پاک همی کند، ماده را چون آتش در خویشتن خویش سوزاند و ظلمت را با نور، مرگ را با حیات همی گدازد» (همان: ۲۴۸). این فرایند به گنوس می انجامد و «گنوس به ما خواهد شناساند که ما کجا هستیم و ما چه هستیم و از کجا می آییم و به کجا می رویم و در واقع گنوس هم علم الهی است و هم علم کائنات» (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

برخلاف گنوسی ها که نبود دانش و آگاهی (گنوس) را سبب رنج مردمان می دانستند، مسیحیت رسمی بر بنیان سنت یهودی باور داشت آنچه انسان را به رنج می افکند، گناه است (همان: ۱۷۰-۱۷۱؛ نیولی، ۱۳۷۳ ب: ۱۲۲، ۱۹۱).

۶- در تفاوت دیگر میان مسیحیت رسمی و گنوسی ها باید بگوییم که گنوسی ها معتقدند هر کس به گنوس دست یابد «این شخص دیگر نه مسیحی که خود مسیح است» (انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۶۲). «آنان که میراث بر زندگان اند، زنده اند» (همان: ۲۵۷). در کلام عیسی، در انجیل های گنوسی می خوانیم: «هر که از دهانم نوشد، چون من خواهد شد. من خود نیز او خواهم شد و هر چه پنهانی است بر او آشکار خواهد شد» (انجیل توماس، ۱۳۹۵: ۲۴۱)؛ چنان که گویی مانی نیز در مانویت، خود عیسایی می شود و «آشکارکننده همه اسرار» (کفالایا، ۱۳۹۵: ۱۶؛ شگری فومشی، ۱۳۸۲: ۵۸). روشن است این سخنان می تواند موجب بی اعتباری کلیسا و کشیشان شود که مسیحیت رسمی با آن مخالفت شدید داشت و خود را رکن دین می پنداشت.

۷- گنوسی های ریاضت کش بر این اصل تأکید می کردند که غسل تعمید برای کسی معصومیت به بار نمی آورد و سبب رستگاری انسان نخواهد شد. آنان باور داشتند که تنها با

پرهیز از شہوات می‌توان به رهایی روح رسید (پرکینز، ۱۳۷۳: ۸۱؛ انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۶۱)؛ چنان‌که مانی گنوسی نیز از همین روی که معتقد بود شست‌وشوی با آب نمی‌تواند درون مردمان را از ظلمت بشوید، از مغتسله فاصله گرفت (Tardieu, 2008: 11). این اندیشه در تضاد با باورهای مسیحیت رسمی بود.

در ادامه، دیدگاه متفاوت مسیحیت رسمی و گنوسی‌ها را دربارهٔ بنیاد دین عیسی در پس از او بررسی می‌کنیم و خواهیم دید که برخلاف متعصبان مسیحی که پطرس را اساس دین می‌دانند، چگونه گنوسیان مریم مجدلیه را بزرگ می‌دارند و او را صاحب مکاشفه می‌دانند و برخی گنوسی‌ها بر اساس همین الگو، زنانی را آموزگار خود می‌انگارند.

۲-۳. مریم مجدلیه و مسیحیان گنوسی

در انجیل یوحنا مریم مجدلیه نخستین دیدارکننده با عیسی، پس از رستاخیز او است؛ چنان‌که مریم، عیسی را در بامداد می‌بیند و دیگر حواریون، شامگاه (یوحنا، ۲۰: ۱۷). در دیگر انجیل، آشکارا آمده است: «عیسی روز یک‌شنبه، صبح زود زنده شد. اولین کسی که او را دید، مریم مجدلیه بود» (مرقس، ۱۶: ۹). در متن‌های گنوسی همانند زبور مانوی، در یکی از مزامیر که بسیار مضمون آن به انجیل یوحنا در رخداد رستاخیز نزدیک است، می‌بینیم که مریم نخست دیدارکننده با عیسی است (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

مطابق با یکی از انجیل‌های گنوسی، مریم عیسی را پس از رستاخیز، از راه مکاشفه می‌بیند و با او گفت‌وگو می‌کند. مریم می‌گوید:

دیدم خداوندگار را در خواب و بدو گفتم: خداوندگار! امروز به خواب دیدمت، او پاسخ داد و گفت به من: خجسته‌ای تو که با دیدنم تزلزل به خود راه ندادی؛ زیرا آنجا که اندیشه است، گنج هست. گفتم به او: خداوندگار! چگونه او در خواب بیند آن را، به واسطهٔ جان یا به واسطهٔ روح؟ منجی پاسخ داد و گفت: او نه به واسطهٔ روح؛ بلکه اندیشه‌ای که بین این دو هست، خواب بیند. (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۷۱-۲۷۲)

مطابق دیدگاه گنوسی‌ها، هر کس عیسی را در مکاشفه‌ای ببیند، می‌تواند مرجعیتی برابر با دوازده حواری عیسی بیابد. پس گنوسی‌ها مریم مجدلیه را برخلاف راست‌کیشان بزرگ داشتند و او را الگوی خود قرار دادند تا مرجعیت کشیشان و اسقفانی را رد کنند که مدعی جانشینی پطرس، یکی از حواریون برجستهٔ مسیح، هستند (پیگلز، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۶). نزد گنوسی‌ها مریم کسی است که همه چیز را می‌داند و عیسی او را از همه بیشتر دوست دارد

۱۲ / جایگاه مریم مجدلیه در متن‌های گنوسی

(انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۷۴) و عادت دارد که پیوسته دهان او را ببوسد (انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۶۱). در یکی از انجیل‌های گنوسی نیز وقتی پطرس خواهان دور کردن مریم از حواریون است، به این دلیل که زنان، شایسته حیات نیستند، عیسی در پاسخ بدو می‌گوید: «بنگرید من او را جلو خواهم کشید تا به مردش بدل کنم تا او نیز روح زنده مذکر شود به‌سان شما» (انجیل توماس، ۱۳۹۵: ۲۴۱). در دیگر جای، پس از آن که مریم از دیدار خود با عیسی در پس از رستاخیز سخن می‌گوید، پطرس خطاب به حواریون بیان می‌دارد: «آیا او [عیسی] با یک زن در خلوت سخن گفت و آشکارا بر ما سخن نگفت» (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۷۴) و با خلقی آمیخته با حسادت به مریم می‌گوید که عیسی در میان زنان [نه همه زنان و مردان] تو را از همه بیشتر دوست داشته است؛ درحالی که لوی (Levi) می‌گوید که عیسی بیش از همه ما حواریون، مریم را دوست می‌داشته است (همان: ۲۷۱-۲۷۴).

مسیحیت راست‌کیش معتقد است که عیسی، پطرس را جانشین خود قرار داده است؛ چنان که در بخش اعمال رسولان انجیل، پطرس آشکارا جانشینی او را یافته است و مطابق با انجیل لوقا که راست‌کیشان بر آن تأکید دارند، پطرس نخستین کسی است که عیسی را در پس از رستاخیزش می‌بیند: «خداوند حقیقتاً زنده شده است. پطرس نیز او را دیده است» (لوقا، ۲۴: ۳۴). متی نیز در انجیلش به گفته عیسی اشاره می‌کند که پطرس، یعنی صخره باید سنگ بنای دین عیسی شود (متی، ۱۶: ۱۸).

اگر گنوسی‌ها برخلاف مسیحیت رسمی که عملاً همه تصویرهای زنانه خدا را از سنت مسیحیان حذف کرد (پیگلز، ۱۳۹۴: ۹۵)، زنان را در اجرای مراسم می‌پذیرفتند و مقامات معنوی بدانان می‌بخشیدند، از آن روی بوده است که می‌پنداشتند اگر انسان به شکل خداوند آفریده شده است؛ پس باید بپذیریم که او هم نر و هم مادینه است؛ زیرا انسان، هم جنسیت مرد و هم زن دارد؛ از همین روی والتینوس خدا را پدر و مادر خطاب می‌کرد (همان: ۸۶-۸۷). البته برخی گنوسیان بر آن هستند تصویری که از وجود خداوند دارند، سراسر به شکل مادینه است (همان: ۸۸). برخی از مفسران گنوسی درباره این سخن سلیمان که «خدا جهان را با حکمت خلق کرد» تأمل کرده‌اند و گفته‌اند که آیا حکمت می‌تواند همان نیروی مادینه باشد که آفرینش خداوند در آن بارور شده است؟ در همین باره تئودوتوس (Theudas) گنوسی، شاگرد پولس طرسوسی و استاد والتینوس، می‌گوید: این

سخن که خداوند انسان را به ریخت خدا آفرید، به این معنی است که «عناصر مذکر و مؤنث با هم عالی‌ترین محصول مادر، یعنی حکمت را پدید آوردند» (همان: ۹۴). این بدان معناست که عنصر مادینه در اندیشه‌های گنوسی نقشی مهم دارد و از همین روی گنوسیان همانند مرقیون، زنان را هم‌پایه مردان در امور قدسی می‌پنداشتند و یا زنی با نام مارسیلینا (Marcellina)، به عنوان آموزگاری گنوسی به روم سفر می‌کند. همین‌طور گروهی به نام مونتانیستان (Montanism)، زانی چون پریسکا (Prisca) و ماکسیمیلیا (Maximilla) را بنیان‌نهنده گروه گنوسی خود می‌دانستند و آن دو را بسیار ارج می‌نهادند (همان: ۹۸-۹۹). پیش از این نیز دیدیم که مریم مجدلیه با عیسی مکاشفه‌ای دارد. در منظومه‌ای گنوسی نیز می‌بینیم که شخص مکاشفه‌کننده گویا مادینه است: «... منم همسر و باکره/ منم مادر و دختر/ منم اعضای مادرم...» (تندر، اندیشه کامل، ۱۳۹۵: ۳۲۷).

تعبیر گنوسی‌ها از داستان آدم و حوا نیز با مسیحیان متفاوت است. گنوسی‌ها معتقدند که خدای صانع، یهوه است که آدم را از خوردن میوه درختی در میانه بهشت بازمی‌دارد. اینان بر این باورند که مار که منبع حکمت خدای متعالی است، به حوا و از طریق او به آدم می‌آموزد تا با خوردن آن میوه در برابر استبداد خدای آفریننده بایستند؛ همان خدایی که می‌داند آدم و حوا با خوردن آن میوه، عمری جاودانه می‌یابند و از روی حسادت بدان‌ها به دروغ گفته است که آن سبب مرگ شما خواهد شد. میوه را می‌خورند و هیچ‌گونه مرگی رخ نمی‌دهد (پیکلز، ۱۳۹۴: ۶۳). شاید یکی از دلایلی که موجب می‌شود گنوسی‌ها از زنان، به ویژه از مریم مجدلیه تعالیم سری معرفت بیاموزند، الگو قرار دادن همین ماجرای آموزش حوا به آدم در خوردن میوه درخت باغ عدن باشد.

۲-۴. مریم مجدلیه در متن‌های پارتی مانوی (M6281+M6246)

چنان‌که پیش از این اشاره شد، مانویت از دین مسیح و اندیشه‌های گنوسی موجود در مسیحیت بسیار متأثر شده است که در این باره پژوهندگان به گسترده‌گی سخن گفته‌اند (شکری فومشی، ۱۳۸۲: ۳۵-۶۶)؛ اما کمتر سخنی درباره مریم مجدلیه، کسی که به هفت شیطان مبتلا بود و مسیح آن را از تنش بیرون آورد و از این رو به عیسی گرایید (هاکس، ۱۳۸۳: ۷۹۶) و نقش او در کیش مانی شنیده‌ایم. از متن‌های گوناگون شرقی و غربی مانویت این نکته را به آشکارا می‌بینیم که به تأثیر از آیین گنوسی، مریم در اندیشه‌های مانوی نقشی بزرگ دارد و البته به طور کلی زنان نقشی تأثیرگذار می‌یابند؛ به گونه‌ای که در

یکی از مزامیر خداوندگار هراکلیدس، پس از ذکر نام مریم «که برای یازده سرگردان صیادی می کند (گوهر روحشان را می یابد و بدنها می نماید)» و یادکرد مرتا (Martha)، سالومه (Salome)، آرسنوه (Arsenoe) و ماکسیمیلا، از اوپولا (Obola) «این آزاده زن نوبخشنده محبوب دل پارسایان» سخن می گوید (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۷۲) که می توان اهمیت زنان را به عنوان آموزگار در کیش مانی دید.

در مزامیری دیگر از هراکلیدس، روح رهاشده از آلودگی را به دوشیزه ای مانند می کنند و سپاه اهریمن را به مرد: «یاری ام ده؛ زیرا تطهیر شده ام از آلودگی/ که در هوا است. آزاد گشته ام همچون دوشیزه ای/ که از ناپاک مردان مادی، سپاه اهریمنی، رهایی یافته است» (همان: ۱۵۲). این سخن به آشکارگی اهمیت زن و برتری او را می رساند و بدان معنا است که برای رسیدن به کمال انسانی باید به روح مادینه (نفس ناطقه) دست یافت؛ چنان که در انجیل عبرانیان، عیسی از «مادرم، روح» سخن می گوید (پیگلز، ۱۳۹۴: ۸۹) و در انجیل فیلیپ، روح مادر فرزندان را بسیار فرامی خوانند (همان: ۹۰؛ انجیل فیلیپ، ۱۳۹۵: ۲۶۱). در جایی از همین انجیل گنوسی فیلیپ آمده است که «حقیقت، مادر است» و دیگرجایی، رستگاری برابند حقیقت است (همان: ۲۶۵، ۲۶۷). در دیگر انجیل گنوسی، روح، مادر حقیقی و حیات بخش عیسی است (انجیل توماس، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

از آنچه در زبور مانوی دیدیم، درمی یابیم که عنصر مادینه نقشی مؤثر در کیش مانی، البته متأثر از گنوسی ها، دارد؛ به گونه ای که مطابق با مزموری از مزامیر هراکلیدس با عنوان «مریم! ای مریم! مرا بشناس» که مضمونی بسیار همانند با انجیل یوحنا دارد (یوحنا، ۲۰: ۱-۲۰)، مریم را بسیار بزرگ می دارند. در این مزمور، مریم پس از رستاخیز عیسی، پیش از همه او را می بیند و او کسی است که پیامبر یا بهتر بگوییم، جانشین عیسی می شود تا کسانی را که پس از نبود عیسی یتیم شده اند، دستگیری کند. او باید یازده حواری، به ویژه پطرس را، از رستاخیز عیسی آگاهی دهد؛ عیسی خطاب به مریم:

به من دست مزن/ سرشک دیدگانت را بند آور/ و بدان که من سرور توأم/ مباد به پیکرم دست فراز بری/ چه هنوز چهره پدر را ندیده ام/ خداوندگارت را نه بودند/ به پاس اندیشه های خردت/ خداوندگارت نمرد/ بل بر مرگ چیره گشت/ باغبان نی ام. پیشکشم بخشیده اند/ رستگاری فراپذیرفته ام/ بر تو آشکار نشدم تا اشک هایت را دیدم و اندوهت را/ اندوه از خویش بزداي و بدین پرستاری در آی/ پیامبرم باش و یتیمان سرگردان را دست فرازگیر/ بشتاب به شادخواری/ و

سوی یازده فرشته رو / ...بدانان بگو او سرور شما است/ همه مهارت و پندت به کار بند... (زیور مانوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۳).

مریم اظهار بندگی و تبعیت از عیسی می کند:

ای خداوند گارم! ای سرور! فرمانت به جای آرم به شادی...» و پس از این در متن، به این دلیل که بزرگ داشته مسیح است، او را ستایش می کنند: «شکوه مریم را است/ چه به خداوند گارش گوش سپرد/ فرمانش به جای آورد/ با دلی سرشار از شادمانی/ شکوه مند و پیروز باد مریم خجسته! (همان: ۱۶۳-۱۶۴)

همین بزرگی مریم را در مزمور پیش گفته، چنان که پیش از این دیدیم، می توان در انجیل به روایت مریم نیز دید. در این انجیل گنوسی، مریم را پیش و بیش از دیگر حواریون، بزرگ می دارند. مریم از مکاشفه و دیدار خود با عیسی می گوید و حواریون را آموزگاری (پیامبری از سوی عیسی) می کند (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۶۹-۲۷۴).

آنچه را در دو متن پیشین مانوی غربی و گنوسی درباره مریم مجدلیه دیدیم، در متنی پارتی نیز می بینیم. در حاشیه سخن این نکته را در نظر داریم که این متن های پارتی، به احتمال، ترجمه شاگردان پارتی دان مانی است. از آنجا که زبان مادری مانی سریانی بوده، متن هایی را که او نوشته، به این زبان بوده است و مبلغان کیش او، این متن ها را ترجمه کرده اند؛ اگرچه مورانو درباره متن های تصلیب چنین دیدگاهی را نمی پذیرد. او معتقد است که همه این متن ها از ارمنی و سریانی ترجمه نشده و بخشی از آن اصالتاً به زبان پارتی نگاشته شده است (Morano, 2000: 398).

متن پارتی پیش رو، از جمله متن هایی است که آن را به دلیل پیوند با تصلیب عیسی، با نام «سرود تصلیب» معرفی می کنند (Ibid: 398-429). گفتنی است اگرچه این سروده ها یادآور عیسای تاریخی است، برای مانویان به یادآورنده رنج روح زنده (Mih Yazd) برای نجات هر مردی (Ohrmizdbay) یا همان انسان قدیم و رستاخیز مسیح، در پیوند با رهایی روح و بازگشت او به قلمرو روشنی بوده است.

پیش از بررسی متن مورد بحث که درباره مریم مجدلیه و بزرگداشت این زن مؤمن به مسیح است، به این نکته نیز اشاره و تأکید کنیم که در کیش مانی، مانند دیگر گروه های گنوسی، زن و مرد هر دو می توانستند در جرگه برگزیدگان دین مانی در آیند (تقی زاده،

۱۳۸۸: ۶۰؛ چنان که مانی، آنگاه که سخن از رستگاران به میان می‌آورد، از زن و مرد، هر دو، یاد می‌کند: «و آنانی که از کلام من، زنان و مردان آزاده شده‌اند» (کفالایا، ۱۳۹۵: ۶). اکنون در آغاز حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه متن پارتی را به دست می‌دهیم و سپس گزارشی از متن را می‌آوریم.

۲-۴-۱. حرف‌نوشت و آوانوشت متن

d'rwbdgyf(t)[y](g) b's'h

- 1 hmg šhr r'z 'w tw 'bgwst 'wm kyr[d
- 2 'yy (u) db 'br nwx u 'stym° r'z w[cn
- 3 wxybyh(°)pd tw gwš swnd'[g 5-6
- 4 r'z tw 'w kyc w'cyh h(m)[8-9
- 5 'sngs'r pd šhr u 'sng [']nyc hrw bwynd
- 6 sngs[r 'c yh](w)d'n pwhr šymwn kyf' kd
- 7 'šnwd (')[ym] (s)xwn 'c mrym 'by'd bwd
- 8 hw xwd'y wy'w'r u pd š'dyft txt pdyc
- 9 yyšw° mšyh' dyd 'wš w'xt b'zgw
- 10 k'm(d) 'mb'z gryftn 'w yyšw u[3-4
- 11 2]'d 'zgd u ny š[14-15
- 12 bits of letters

v

- 1 nm'd u 'bdyšt pdbst u wyš'dg ›w
- 2 (h)mg šhr° pd wxybyh 'xšd rwd 'mwjd
- 3 5-6](h'h) by'grg 'c pydr 'zb''n
- 4 7-8](.) 'by prmwsyšn 'njywg
- 5 yzd m'rm'ny° d(')dyš 'w 'm'h wcyhyšn
- 6 'wd (')zynd kwm pdyšt zh[g 5-6]r
- 7 'wm'n gy'n bwg u frmny[w](g) wxd 'st
- 8 xwd'y yyšw mšyh'° rwšn pydr 'ndyš

- 9 mn wsn'd krwm hw'r `wmn bwj `c
10 ndy]st'n rgwm pj'm `w `mwrđ(n)
11 12-13](m) `d br'dr'n `m(w)[st'n
12 traces of a letter...(Morano, 2000: 408-411).

dārūbdagīftīg bāšāh

R

- 1 hamag šahr rāz ō tū abyōst um kird
2 ay ud daβ abar nox ud istem, rāz wažan
3 wxēbēh, pad tū gōš sundāg ...
4 rāz tū ō kēž wāžih hamag ...
5 asangsār pad šahr ud asang any-iz harw bawēnd
6 sangsār až Yahūdān puhr Šīmōn Kaifāh kaδ
7 ašnūd im saxwan až Mariam aβyād būd
8 haw xwadāy wyāwār ud pad šādīft taxt padīž
9 Yišō, Mašihā dīd uš wāxt bāzūg
10 kāmād ambāz griftan ō Yišō ud ...
11 ... aδ izyad ud nē ...
12 bits of letters

V

- 1 ...nimād ud abdišt padβast ud wišādag ō
2 hamag šahr, pad wxēbēh axšad rōd āmužd
3 ... hāh byāgarrag až pidar izβān
4 ... abē parmūsišn anjīwag
5 yazd Mār Mānī, dād-iš ō amāh wižēhišn
6 ud āzend kūm padišt zahag ...
7 umān gyān bōy ud framanyūg wxad ast

- 8 xwadāy Yišō Mašihā, rōšn pidar andēš
9 man wasnād karum xuwār ō man bōž až
10 bandestān raḡum pažžām ō amwardan
11 ... aḏ brādarān amwaštan
12 ...

۲-۴-۲. ترجمه متن

سرود تصلیب

روی برگ دست نویس

۱. راز همه جهان بر تو آشکار بود و [تو نیز آن را] بر من [آشکار] کردی
۲. و فریبی که درباره آغاز و انجام [جهان است، به من نمودی]. صدای تو
۳. خود، راز را [آشکار ساخت] ...
۴. آن راز را تو به هر کس گفتی
۵. مکانی سنگی به جهان و همچنین همه دیگران یک سنگ می شوند
۶. باززایی از پور جهودان، شمعون، قیافا. هنگامی که
۷. شنید این سخن از مریم، به یاد آورد
۸. آن بیان خداوندگار را و با شادمانی تاخت به سوی
۹. عیسی. مسیحا چون او را دید، گفت که او
۱۰. آرزوی آغوش گرفتن عیسی و ... دارد
۱۱. بیرون شد و نه ...
۱۲. (تعدادی حروف)

پشت برگ دست نویس

۱. ... نمود و شرح کرد به هم پیوسته و رها شده به
۲. همه گیتی، به دل سوزی، هم دلی، بخشایش خود
۳. ... پیام از زبان پدر
۴. ... بدون ترس منجی
۵. خداوندگار، مارمانی، به ما آموزش داد
۶. و آزند، به گونه ای که من جای فرزند ...

۷. و رستگاری و امید برای جان‌هامان، به راستی هست
۸. خداوندگار عیسی مسیح، پدر روشنی اندیشد
۹. درباره من. آرامش برقرار کند و مرا رستگاری بخشد از
۱۰. بندستان و مرا به شتاب به سوی همایش رهبری کند
۱۱. ... به همراه برادران گردآمده.

۲-۴-۳. گزارش متن

اگر در انجیل به روایت مریم اندکی درنگ کنیم و آن را با متن پارتی پیش‌نوشته بسنجیم، درمی‌یابیم که در متن پارتی همچون روایت انجیل مریم مجدلیه، مریم مشغول آموزش به پطرس و دیگر حواریون است. مریم آنچه را در زمان زندگی عیسی و پس از رستاخیز او، در مکاشفه آموخته است، به پطرس می‌آموزد. او نخست درباره ماده سخن می‌گوید:

پس آیا ماده نابود خواهد شد یا نه؟ / منجی فرمود: همه طبیعت، همه شکل‌بندی‌ها، همه مخلوقات وجود دارند در یک‌دیگر و با یک‌دیگر و آنها دوباره حل خواهند شد در ریشه‌های خودشان / زیرا سرشت ماده حل‌شدنی است تنها در ریشه‌های سرشت خویش / هر که گوش شنوا دارد، بشنود (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۶۹).

این سخنان دقیقاً آشکار کردن راز جهان است که در متن پارتی نیز مریم همین راز را برای پطرس آشکار می‌کند. در انجیل مریم، پس از آشکار شدن راز جهان، پطرس آشکار از مریم درباره ماهیت گناه می‌پرسد: «پطرس بدو گفت: چون هر چیزی را بر ما شرح داده‌ای، این را نیز به ما بگو: چیست گناه دنیا؟» و باز مریم به نقل از منجی، به شرح گناه می‌پردازد و راه رستگاری را نشان می‌دهد: «گناهی نیست، مگر در شما که گناه می‌کنید» (همان: ۲۶۹)؛ چنان‌که در متن پارتی نیز مریم از زبان عیسی «نمود و شرح کرد پی‌درپی» که چگونه می‌توان با دل‌سوزی عیسی به رستگاری و رهایی از گناه رسید.

در متن پارتی این نکته نیز نمایان است که مریم مجدلیه به پطرس درباره رستاخیز عیسی آگاهی داده است: «هنگامی که / شنید این سخن از مریم، به یاد آورد آن بیان خداوندگار را و با شادمانی تاخت به سوی / آن بیان خداوندگار را و با شادمانی تاخت به سوی عیسی». در متنی دیگر به پارتی نیز (M18+M2753) که درباره تصلیب عیسی است، عیسی پس از خیزش از گور در روز سوم و دیدار با مریم از او می‌خواهد که به جلیله رود و پطرس را از

رستخیز عیسی آگاه کند (Morano, 2000: 404-408). حضور مریم را در متن‌های (M5825/5828/5829) و (M7200+M7201) نیز می‌توان دید که این متن‌ها دربارهٔ تصلیب عیسی است (Ibid: 411-413, 414-416). آگاهی بخشی مریم به عیسی در متن، یادآورِ اهمّیتِ مریم در اندیشهٔ مانویان است و باید بپذیریم که مانی و مانویان مریم را اساسِ تعالیمِ خود قرار می‌دادند و از او می‌آموختند؛ اگرچه مسیحیت رسمی پطرس را سنگِ بنایِ دینِ خود قرار می‌داد.

بایسته‌است یادآور شویم که در زبانی سریانی، پطرس را کیفاس خوانند که آن به معنی «سنگ» است (هاکس، ۱۳۸۳: ۲۲۰-۲۲۱) و نخست بار که به واسطهٔ اندریاس در دشت با عیسی دیدار می‌کند، عیسی او را کیفاس می‌خواند (یوحنا، ۱: ۴۲). آنچه در متن پارتی از سنگ و شنزار آمده‌است، اشاره‌ای به پطرس (کیفاس) است که با دلیری، الوهیت مسیح را بیان می‌کند و مریم از سوی منجی خواهان آن است که همه چون پطرس باشند تا عیسی، کلیسای خود را بر آنان استوار کند.

پورِ جهودان در متن پارتی، اشاره‌ای است به شمعون، پدر یهودای اسخریوطی که پسرش از حواریون عیسی است و با رشوه‌ای عیسی را به کاهنان و بزرگِ آنان، قیافا، تحویل می‌دهد. اشاره به این شخصیت‌ها، محتملاً برای آن بوده‌است که مریم، به گونه‌ای خیانت و ستم را برای پطرس و دیگر حواریون یادآوری کند؛ چنان که در انجیل مریم، در بندی می‌آید: «به هوش بویید که کسی شما را گمراه نکند و گوید خوشا اینجا، خوشا آنجا؛ زیرا پسر انسان درون شما است» (انجیل به روایت مریم مجدلیه، ۱۳۹۵: ۲۷۰). او می‌گوید: مبادا که همچون یهودا اهریمن بر شما چیره شود و کسی چون قیافا شما را به رشوت بفریبد. چرا؟ چون پسر انسان، عیسی، درون شما است که این نکته را بارها عیسی در انجیل تکرار کرده‌است. عیسی به خداوند می‌گوید: «جلالی را که به من بخشیدی، به ایشان داده‌ام تا آنان نیز مانند ما یکی گردند. من در ایشان و تو در من تا به این ترتیب ایشان نیز به تمام معنا با هم یکی باشند» (یوحنا، ۱۷: ۲۲-۲۳). در متن پارتی نیز مقصود از «سنگ» زیربنای دین است که بر اساس آن همه باید یگانه شوند؛ همان گونه که عیسی در انجیل یوحنا و متن‌های گنوسی دیگر بر آن تأکید دارد و پیش از آن بدان اشاره شد.

چرا در متن پارتی، عیسی آغوش گرفتنِ خود را از سوی حواریون نمی‌پذیرد؟ این تأکیدی است بر این که رستخیز و عروج عیسی روحانی بوده‌است.

در پایان متن نیز به گونه‌ای سعی شده‌است، میان مانی و عیسی پیوند و یگانگی برقرار شود و این دو رنجبر و زنده‌گر و بیدارکننده را در پیوند با هم بدانند؛ عیسی طیب مجروحان و مانی پزشک خستگان و فرستاده عیسی است (زبور مانوی، ۱۳۸۸: ۲۶۴-۲۶۵).

۳. نتیجه‌گیری

کیش مانی از جمله آیین‌های گنوسی است. گویا آیین گنوسی از صدر مسیحیت تکوین و رشد یافته و تا جایی پیش رفته که میان گنوسیان و مسیحیان اختلاف‌هایی بسیار پدید شده‌است. باورهای گنوسی را که با مسیحیت در تضاد است، می‌توان در چند محور بازگفت: گنوسی‌ها باور به زایش و مرگ روحانی مسیح دارند؛ درحالی‌که مسیحیان عیسی را مانند همه انسان‌ها دارای گوشت و خون و پوست می‌پندارند. گنوسیان رستاخیز عیسی را نمادین می‌دانند و معتقدند باید این رخداد را در حکم تمثیل پنداشت؛ اما مسیحیت رسمی تصلیب و رستاخیز عیسی را تاریخی می‌انگارد و برخلاف گنوسی‌ها معتقد است که عیسی در تصلیب رنج کشیده‌است. گنوسیان به دو خدا، خدای متعالی مهربان و خدای کیفردهنده که جهان را آفریده و درحقیقت خود شیطان است، معتقدند تا شر را در گیتی توجیه کنند؛ اما راست‌کیشان به خدایی یگانه باور دارند تا قدرت کشیشی یگانه را نیز تضمین کنند. گنوسی‌ها به خودشناسی که به خداشناسی می‌انجامد، باور دارند و معتقدند نبود دانش است که سبب رنج می‌شود؛ درحالی‌که مسیحیان گناه را سبب رنج می‌دانند. گنوسیان برخلاف مسیحیت رسمی، صرف غسل تعمید را موجب رستگاری نمی‌دانند.

اختلاف بنیادین دیگر میان آنان، در جانشینی مسیح است. در روایت مسیحیان متعصب، پطرس اساس دین قرار گرفته‌است و گنوسیان از مریم مجدلیه آموزه‌هایی سری می‌آموزند. این نگرش گنوسی‌ها در اغلب متن‌هایشان آشکار است. گنوسیان باور دارند که مریم همه چیز را می‌داند و او پس از رستاخیز عیسی از گور، نخست کس بوده که با او دیدار کرده و او است که راز جهان را بر حواریون، از جمله پطرس آشکار کرده‌است. همین اعتقاد در متن‌های مانوی غربی و شرقی راه یافته‌است؛ چنان‌که در متن پارتی (M6281+M6246) که درباره تصلیب مسیح است، آموزگاری و جانشینی مریم را و همین‌طور او را در جایگاه نخست دیدارکننده با مسیح، پس از خیزش او از گور می‌بینیم.

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). *زیر آسمانه‌های نور*. تهران: قطره.
۲. _____ . (۱۳۸۷). *اسطوره آفرینش در آیین مانی*. تهران: کاروان.
۳. *انجیل عیسی مسیح*. (بی‌تا). بی‌جا.
۴. بنونیست، امیل. (۱۳۸۶). *دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی*. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: قطره.
۵. بویس، مری. (۱۳۸۶). *زردشتیان* (باورها و آداب دینی آنها). ترجمه عسگر بهرامی. تهران: ققنوس.
۶. بهار، مهرداد و ابوالقاسم اسماعیل پور. (۱۳۹۴). *ادبیات مانوی*. تهران: کارنامه.
۷. بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۹). *آثارالباقیه عن القرون الخالیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
۸. پیگلز، الین. (۱۳۹۴). *انجیل‌های گنوسی*. ترجمه ماشالله کوچکی میدی. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. تقی‌زاده، سید حسن. (۱۳۸۸). *مقالات تقی‌زاده* (درباره مانی). تهران: توس.
۱۰. دریایی، تورج. (۱۳۸۷). *شاهنشاهی ساسانی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
۱۱. رازی، فریده. (۱۳۷۲). *کتاب‌شناسی مانی* (فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. *زبور مانوی*. (۱۳۸۸). ترجمه قبطی به انگلیسی: چارلز رابرت سیسل آلبری. ترجمه انگلیسی به فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.
۱۳. سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). *سایه‌های شکار شده* (گزیده مقالات فارسی)، تهران: طهوری.
۱۴. *کفالایا* (نسخه موزه برلین). (۱۳۹۵). برگردان تطبیقی از ترجمه آلمانی و انگلیسی نسخه قبطی: مریم قانع و سمیه مشایخ. تهران: طهوری.

۱۵. کلیم کایت، هانس یواخیم. (۱۳۸۴). **هنرمانوی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.

۱۶. هاکس، مستر. (۱۳۸۳). **قاموس کتاب مقدس**. تهران: اساطیر.

۱۷. هالروید، استوارت. (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.

ب: مقاله‌ها

۱۸. آسموسین، جس. پیتر. (۱۳۷۳). «مانی و دین او: بررسی متون»، **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز، صص ۱۸۹-۲۱۳.

۱۹. «انجیل به روایت مریم مجدلیه». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، صص ۲۶۹-۲۷۴.

۲۰. «انجیل توماس». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، ۲۲۵-۲۴۱.

۲۱. «انجیل حقیقت». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، صص ۲۴۳-۲۵۶.

۲۲. «انجیل فیلیپ». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، صص ۲۵۷-۲۶۸.

۲۳. «انجیل مرقیون». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، ۲۷۵-۳۰۰.

۲۴. پرکینز، فیم. (۱۳۷۳). «کیش گنوسی، بدعتی مسیحی»، **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز، صص ۷۵-۸۳.

۲۵. «تندر، اندیشه کامل». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: هیرمند، صص ۳۲۷-۳۳۵.

۲۶. دیویس، جی. گ. (۱۳۷۳). «کیش مانوی و مسیحی»، **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز، صص ۱۶۱-۱۶۹.

۲۴ / جایگاه مریم مجدلیه در متن‌های گنوسی

۲۷. سولیانو، یوآن پترو. (۱۳۷۳). «کیش گنوسی از سده‌های میانه تا اکنون». **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز، صص ۵۵-۷۳.
۲۸. شکری فومشی، محمد. (۱۳۸۲). «مبانی عقاید گنوسی در مانویت». **نامه ایران باستان**. سال سوم. شماره اول، صص ۳۵-۶۶.
۲۹. کیسل، گیلز. (۱۳۷۳). «کیش گنوسی از آغاز تا سده‌های میانه». **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز، صص ۱۱-۵۴.
۳۰. _____ . (۱۳۹۵). «کیش گنوسی از آغاز تا سده‌های میانه». **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: هیرمند، صص ۹۵-۱۲۳.
۳۱. «متون مندایی». (۱۳۹۵). **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: هیرمند، صص ۳۴۹-۳۶۰.
۳۲. نیولی، گرادو. (۱۳۷۳ الف). «مانی»، **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز، صص ۱۰۵-۱۱۷.
۳۳. _____ . (۱۳۷۳ ب). «آیین مانوی». **آیین گنوسی و مانوی**. ویراسته میرچا الیاده. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز، صص ۱۱۹-۱۵۹.
۳۴. _____ . (۱۳۹۵). «مانی و کیش مانوی»، **ادبیات گنوسی**. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: هیرمند، صص ۱۵۵-۱۸۸.

ج: منابع لاتین

35. Baker-Brian, N. J. (2011). *Manichaeism*, Clark.
36. Kent, R. G. (1953). *Old Persian; Grammer. Texts. Lexicon*, New Hawen; Connecticut.
37. Lieu, Samuel N. C. (1992). *Manichaeism in the later Roman Empire and Medieval China*, Historical Survey, 2nd ed., Tübingen.